

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانبازان

فرستنده: مناف فلکی فر

۲۱ می ۲۰۱۷

در باره زندگی رفیق شهید "رضا بهفر"



در راه رهائی کارگران و توده های ستمدیده میهنمان از سلطه سرمایه داری وابسته به امپریالیسم ، انقلابیون بسیاری جان خود را فدا کرده اند. چریک فدائی خلق رفیق شهید "رضا بهفر" یکی از این انقلابیون جان بر کف بود که با خون خود درخت تنومند انقلاب ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلق های میهن مان را آبیاری نمود.

رفیق رضا در اردیبهشت ماه [ثور] سال ۱۳۳۵ در یک خانواده متوسط در شهر بابل به دنیا آمد. هنگام تولد ، پدرش به دلیل مبارزه با رژیم شاه مزدور در زندان به سر می برد و مادرش مجبور بود فشار و مصائب بی شمار زندگی خانواده را به تنهایی بر دوش بکشد. رفیق رضا در سن ۷ سالگی مادرش را از دست داد و با مرگ او هر چه بیشتر مشکلات زندگی بر دوش سنگینی نمود. رفیق زمانی که دوران دبیرستان را طی می کرد با قانون مندی های ذاتی نظام طبقاتی و با مظالم حاکم بر جامعه هر چه بیشتر آشنا شد و به سهم خویش در مبارزه با ظلم و زوری که در حق هموعانش روا می شد به مبارزه برخاست. در این دوره وقتی یکی از هم مدرسه ئی های او را که در کلاسی بالاتر درس می خواند به دلیل خواندن انشائی افشاگرانه به ساواک بردند در حمایت از او چنان اعتراضی در مدرسه به راه انداخت که ناظم مدرسه به خانواده رفیق رضا اطلاع داد که اگر آشنائی با شما نبود او را هم به ساواک معرفی می کردیم. رفیق رضا بهفر پس از اخذ دیپلم به خدمت سربازی رفت و دوره خدمتش را به عنوان سپاهی دانش در یکی از روستاهای رحیم آباد رامسر به نام "خراسان پشته" گذرانید. اهالی این روستا که در بلندترین نقطه

کوهستانی آن منطقه واقع شده بود در وضعیت زیست و معیشت دهشتناکی به سر می بردند. زندگی در روستا باعث گردید تا رفیق رضا تضادهای طبقاتی را به طور هرچه عینی‌تر و ملموس‌تر مشاهده نماید. وی با دیدن واقعیات تلخ زندگی روستائیان منطقه رحیم آباد رامسر که تنها منعکس کننده گوشه‌ای کوچک از فقر و ستم حاکم بر زندگی زحمتکشان میهن مان بود ، خشم مبارزاتی اش هرچه بیشتر تعمیق یافت و نفرتش علیه مظالم و تعدیات حاکمان وقت صدچندان گشت. رفیق بهفر این یار صدیق کارگران و زحمتکشان لحظه‌ای از کمک به روستائیان باز نمی‌ایستاد و حتا حقوق ماهیانه اش را جهت تأمین احتیاجات شاگردانش و تهیه‌ی میز و نیمکت و کتاب برای مدرسه و دارو برای روستائیان خرج می نمود.

پایان دوره سپاهی دانش رفیق رضا ، همزمان بود با آغاز مبارزات قهرمانانه خلق های مبارزمان که در تداوم خویش به قیام شکوهمند بهمن ۵۷ منجر شد. رفیق رضا فعالانه در این مبارزات شرکت نمود و لحظه‌ای از فعالیت باز نایستاد. او که از محبوبیت خاصی در بین جوانان شهر بابل و به ویژه محله "چهارشنبه پیش" این شهر برخوردار بود همواره مشوق جوانان دیگر به مبارزه بود و با کمک آنان راهپیمائی‌ها و تظاهرات هائی را علیه رژیم وابسته شاه سازمان می داد. رفیق رضا در ادامه فعالیت های مبارزاتی اش در سال ۵۷ به دلیل پخش اعلامیه از سوی مزدوران شاهنشاهی دستگیر شد ، لیکن پس از چند روز ، مزدوران به دلیل شرایط آن روز جامعه بناچار وی را آزاد ساختند.

پس از سرنگونی رژیم شاه خائن و به قدرت رسیدن سگان زنجیری جدید ، یعنی سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، رفیق رضا که عشق عمیقی به توده‌های ستمدیده و اعتقادی راسخ به نیروی لایزال آنان داشت تصمیم گرفت که در تماس نزدیکتری با آنان قرار گیرد. لذا به عنوان معلم به روستائی از توابع بابل رفت. رفیق رضا در دوران زندگی اش در این روستا با الهام از آموزش های رفیق صمد بهرنگی چنان برخوردهای صمیمانه‌ای از خود نشان داد و چنان مسوولانه با مسائل و مشکلات روستائیان برخورد نمود که به زودی به عنوان یک انقلابی کمونیست در قلب روستائیان جای گرفت. تأثیرات برخوردهای انقلابی و آگاه گرانه رفیق با روستائیان به حدی چشمگیر بود که آنان همواره از وی به عنوان بهترین یار و یاور خود یاد می کردند. سخنان زحمتکشان روستا خطاب به فرماندار و رئیس آموزش و پرورش استان که آن زمان برای بازدید به آن جا رفته بودند ، نمونه‌ای بارز از این تأثیرات است. در آن دیدار روستائیان از رفیق بهفر چنین یاد کردند: "او یک کمونیست است ، ولی چه اشکالی دارد نماز نمی خواند ، در همه کارها با ماست و در همه کارها شرکت می کند، هیچ کس در عرض این چند سال مثل او نیامده که مرتب در ده باشد و در کارهای کشاورزی و دامداری کمکمان کند". تأثیرات برخوردهای صمیمانه و انقلابی رفیق رضا از این حد نیز فراتر رفته و حتی فرماندار یادشده نیز که بنا بر فضای توهمی که در آن دوران نسبت به رژیم تازه به قدرت رسیده وجود داشت ، از هواداران دولت به شمار می رفت در تناقض قرار گرفته و گفته بود: "اگر کمونیست بده پس این کیه که تمام روستائیان تصدیقش می کنند!؟".

رفیق رضا این انقلابی پاکباخته که بنابر مشاهداتش اعتقاد یافته بود رژیم جمهوری اسلامی همانند رژیم شاه وابسته به امپریالیسم است و می باید علیه آن به مبارزه برخاست نسبت به سیاست های مماشات طلبانه اپورتونیست های لانه کرده در سازمان چریکهای فدائی خلق معترض بود و سیاست های آن ها را در تقابل با آرمان های انقلابی چریکهای فدائی و مطالبات پاسخ داده نشده کارگران و توده های ستمدیده می دید. به همین دلیل هم به دنبال مرزبندی چریکهای فدائی خلق با اپورتونیست های لانه کرده در "سازمان چریکهای فدائی خلق ایران" دوره بعد از قیام بهمن [دلو] ، از زمره اولین کمونیست هائی بود که به تشکل "چریکهای فدائی خلق ایران" پیوست تا تمامی هم

خویش را صرف پیشبرد خط مشی انقلابی بنیانگذاران کبیر سازمان یعنی رفقاء امیر پرویز پویان ، مسعود احمد زاده و عباس مفتاحی قرار دهد.

رفیق رضا که همواره آرزو داشت در مبارزه با دشمن طبقاتی کارگران و زحمتکشان نقش هرچه مؤثرتری داشته باشد به دنبال یورش رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی به خلق دلاور کُرد ، از سوی سازمان به کُردستان اعزام شد و به این ترتیب امکان یافت در بطن جنبش خلق کُرد با مبارزه مسلحانه توده ئی که در کُردستان جاری بود آشنا و فعالانه در آن درگیر شود. چریک فدائی خلق ، رفیق رضا بهفر پس از طی دوره آموزش های سیاسی - نظامی در پایگاه آموزشی سازمان در کُردستان ، به عنوان رزمنده ای دلیر به مصاف با دشمنان خلق شتافت و قهرمانانه در درگیری های انقلاب علیه ضدانقلاب که اینک با سیمائی دیگر وارد میدان شده بود شرکت نمود. سرانجام رفیق رضا بهفر در ۱۸ شهریور [سنبله] سال ۱۳۵۹ در مقابله با ستون عظیمی از مزدوران جمهوری اسلامی که در نزدیکی سردشت به مناطق آزاد و تحت کنترل رزمندگان یورش آورده بودند در جریان یکی از خونین ترین و حماسی ترین درگیری های پیشمرگان خلق کُرد ، پس از روزها نبرد و دلاوری های بسیاری که از خود نشان داده بود، بر اثر اصابت خُمپاره به سنگرش به شهادت رسید.

شهادت رفیق رضا بهفر ، این پیشمرگه قهرمان در آخرین نبرد دلاورانه اش در کُردستان انقلابی نشان دهنده تلاش بی دریغ انقلابیون کمونیست ، چریکهای فدائی خلق جهت پیشبرد جنبش عادلانه خلق کُرد بوده و از عزم راسخ و ایمان خلل ناپذیر آنان به حقانیت مبارزه توده ها برای نابودی رژیم های وابسته ای همچون جمهوری اسلامی و اربابان امپریالیستش حکایت می کند.

یاد چریک فدائی خلق رفیق شهید رضا بهفر همواره در قلب کارگران و زحمتکشان و خلق های مبارزمان جاودانه خواهد ماند و خونش تعهد همزمانش را در تداوم راهش صدچندان خواهد کرد.

یاد رفیق شهید رضا بهفر گرامی و راهش پر رهرو باد!

به نقل از : ماهنامه کارگری ، ارگان کارگری چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۴۰ ، پانزدهم اردیبهشت ماه [ثور] ۱۳۹۶